



مبانی شهر خلاق با رویکرد شهرسازی دانش بنیان

شیوا امینی^۱، علیرضا عندلیب*^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
shihaamin422@gmail.com

۲- استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
a.andalib@srbiau.ac.ir

چکیده

امروزه دانش، فرهنگ و خلاقیت اساس استراتژی‌های شهرها برای توسعه محلی هستند. به دنبال رویکردهای مختلف، شهرها تلاش می‌کنند تا دانش و خلاقیت را در مناطق شهری به جهت کاهش اثرات نامطلوب الگوهای سنتی ناکارآمد توسعه دهند. و بر پایه دانش و خلاقیت خود، توسعه شهری نوین را تعریف و تقویت کنند. شهرها امروزه در رقابتی تنگاتنگ برای احراز جایگاهی جهانی و منطقه ای هستند و رقابت آنها بخصوص از زمانی تشدید شده است که فناوریهای ارتباطات و اطلاعات خود را به عنوان واقعیت‌های شهری جدید ارائه کرده اند. گذار موفقیت آمیز به توسعه خلاق و در عین حال مبتنی بر شهرسازی دانش بنیان، مستلزم سرمایه گذاری بلند مدت در آموزش، توسعه ظرفیت نوآور و خلاق، نوسازی زیرساخت‌های اطلاعاتی و ایجاد فضای مساعد اقتصادی نوین است. برای رقابت در سطح ملی و بین المللی شهرها به زیرساخت‌های دانش، خلاقیت، افراد آموزش دیده و ماهر، تکنولوژی، زیرساخت‌های الکترونیکی و پیوند با اقتصاد دانش بنیان نیاز دارند. این مقاله با شیوه توصیفی تحلیلی و با تکیه بر مطالعات اسنادی به بررسی و تحلیل شهرسازی دانش بنیان و تاثیرات آن بر شهرهای خلاق پرداخته است نتایج تحقیق نشان می‌دهد این رویکرد نوین توسعه شهری در بسیاری از کشورهای جهان به کار گرفته می‌شود اما در کشور ما علیرغم داشتن پتانسیلهای کافی متأسفانه هنوز زیرساخت‌های لازم برای این کار فراهم نشده و توسعه خلاق بر گرفته از اصول شهرسازی دانش بنیان به یک باور عمومی تبدیل نشده است.

واژگان کلیدی: شهرسازی دانش بنیان، توسعه شهری، ابزارهای توسعه شهری، شهر خلاق

۱- مقدمه

پرورش و آماده سازی چشم انداز توسعه اقتصادی - اجتماعی خلاق از طریق جذب استعدادهای خلاق، و تلاش به جهت تحقق امکانات، از دهه ۱۹۸۰ به یک استراتژی محبوب سیاست گذاران و برنامه ریزان شهری تبدیل شده است. در همین راستا مفهوم نوظهور "شهر خلاق" توسط ریچارد فلوریدا مطرح و به عنوان یک روش کم‌هزینه و سریع برای موفقیت در شهرها با مقیاسهای متفاوت دیده شد. همانطور که اغلب درباره پذیرش نظریه‌های روز- پتانسیل بازدهی در کمترین زمان ممکن - اتفاق می‌افتد، از مفهوم فوق، تفسیری گسترده‌تر به دست آمد. شهرها در بخش‌های مختلف مشتاقانه سرمایه‌گذاری و استعدادهای جوان را با این باور که این باید راه درست و نقطه عطفی برای رقابتی‌تر کردن شهرها باشد، حمایت کردند. سرمایه‌گذاری بر خلاقیت، فرهنگ و استعداد به نظر جذاب می‌رسد، چرا که مولفه‌ها و شرایط لازم (استعداد، تکنولوژی و انعطاف پذیری؛ فلوریدا) به افزایش کیفیت زندگی شهری کمک می‌کنند، و توسعه مبتنی بر خلاقیت، شکل دادن فضاهای شهری با دارایی‌ها و پتانسیلهای خلاق شهری، می‌تواند به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و استفاده از طبقه خلاق - مجموعه‌ای از سازمان‌ها و افرادی که در صنایع خلاق کار می‌کنند - به عنوان کاتالیزوری برای رشد اقتصادی و رقابت شهری کمک کنند. از سویی دیگر؛ جهان امروز، عصر تحولات و تغییرات شگرف در فن آوری می‌باشد. عصری که ساختار فکری آن برگرفته از توجه به اهمیت اطلاعات و توجه به مشارکت نیروی انسانی خلاق با دانسته‌های نوین است. اگر تا سه قرن پیش زمین سرمایه اصلی انسانها محسوب می‌شد و تا یک قرن پیش صنایع و کارخانجات ثروت و دارایی اصلی به شمار می‌آمدند، امروزه اطلاعات و دانش سرمایه و ثروت او محسوب می‌گردند. در عین حال اثرات جهانی‌سازی، شهرنشینی، و صنعتی شدن، به خصوص در قرن بیست و یکم، به سرعت در حال تغییر اقتصادهای محلی معاصر، و ادار کردن شهرهای سراسر جهان برای اتخاذ فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته (ICT)، و هل دادن



آن‌ها به سمت نوآوری بیشتر و در نتیجه رقابتی بودن است. در این راستا مفاهیمی چون، " توسعه شهری مبتنی بر دانش " یا " شهرسازی دانش بنیان " به یک مکانیزم مهم برای توسعه شهری پایدار و پویا تبدیل شده‌اند. لذا، به طور گسترده دانش و نوآوری به عنوان یک مجموعه مفید از ابزار دیده می‌شوند که ممکن است باعث بهبود رفاه و رقابت شهرها شوند.

در این میان اما، مساله اصلی این است که آیا این دو مفهوم نوین به عنوان رویکرد و فعالیتی مجزا، توان این را دارند که شهرها را رقابتی‌تر و موفقیت اقتصادی آینده آن‌ها را تضمین کنند؟

با توجه به نظریه فلوریدا، خلاقیت منبع مهم تغییر نوآوری، توسعه پایدار، چشم انداز سازی، پیش بینی و باز توسعه پایدار است. رشد و افزایش رقابت پذیری شهرها نیازمند تصمیم سازان و مدیرانی است که همه خلاق بیندیشند. و در عین حال، جهان امروز شاهد جهشی بلند بسوی زندگی هر چه بهتر و با کیفیت تر است و تلاش برای ارتقای کیفیت زندگی یکی از اصلی ترین اهداف توسعه آن می باشد. تحقیقات و داده های آماری نشان میدهند که در حال حاضر تحولی عظیم در اقتصاد جهان در حال وقوع است، به طوری که اقتصاد تبدیل شده است به مجموعه ابزاری از دارایی های فیزیکی و دارایی های غیر قابل ملموسی همچون دانش، نیروی فکری و فناوریهای مبتنی بر توسعه علمی و فناوری. لیکن برای فراتر رفتن از یک گام بنیادین و پایدار در توسعه شهری، که در آن شهرها با ویژگی های بسیار متفاوتی از نظر موقعیت و توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شروع به کار می کنند، موفقیت در صورتی حاصل می شود که رویکردهای متمایزی اتخاذ شود. بنابراین در مطالعات نوین کاملا مشهود است که به دلیل مسائل مختلفی که امروزه جهان با آنها درگیر است، بسیاری از برنامه ریزان و نظریه پردازان مختلف تلاش دارند، رویکردهای مختلفی را به جهت شناخت و درک بهتر متغیرهای کلیدی در مسائل شهری، با ترکیب مدل های چند متغیره ادغام، و ترکیبی از نظریات نوظهور شهرسازی دانش بنیان و شهر خلاق، مفاهیم جدیدی خلق شود، مانند " دانش خلاق " یا " سرمایه داری مدرن ".

در این مقاله، هدف ما بررسی و نشان دادن تناقضات ناشی از کاربرد پارادایم های مختلف دانش و خلاقیت است که به صورت فضایی در فضاهای شهری همگرا شده‌اند. این هدف با طرح و تبیین دو پرسش اصلی ردیابی و مطالعه علمی شده است: ۱- آیا بین شاخصهای شهرسازی دانش بنیان و شهر خلاق ارتباط معناداری وجود دارد؟ ۲- توسعه شهری خلاق و دانش محور از چه ویژگیهایی برخوردار است؟ به نظر میرسد یکی از تفاوت های اساسی این پژوهش با تحقیقات پیشین، ایجاد رابطه میان شهر دانش بنیان و شهر خلاق میباشد که به نوعی مکمل یکدیگر هستند. در انتها نیز جمع بندی و نتیجه گیری ارائه شده است.

۲- مبانی نظری و مروری بر ادبیات تحقیق

۱-۲- مفهوم شهرسازی دانش بنیان

از ابتدای زندگی بشر، دانش همواره به عنوان مهمترین عامل پیشرفت انسانی قلمداد شده است. آنچه امروزه به عنوان یک بحث جدید مطرح است، مدیریت هدفمند و آشکار دانش به عنوان منبعی استراتژیک است. سازمانهای ملی و بین المللی دریافته اند که چالش پیش روی جوامع مدرن، توسعه استراتژیهای دانش محور است. بسیاری از محققان و مجریان نیز نیاز به تطبیق و بکارگیری چنین استراتژیهایی را مورد تاکید قرار داده اند (Schwartz, 1995). شهرسازی دانش بنیان و مفاهیمی هم چون شهر دانش بنیان از واژه گان جدید در حوزه مدیریت و برنامه ریزی نوین نگر شهری است که با توجه به مسائل و مشکلات روزافزون شهرها و لزوم مدیریت و برنامه ریزی این سیستم بر مبنای دانش مطرح شده است. شهرسازی دانش بنیان رویکردی توسعه ای است که هدف نهایی اش دستیابی به توسعه شهری پایدار و پیشرفت اقتصادی است. هرچند برخی ویژگیهای شهر دانش بنیان را نسبت بالای دانشجویان و دانشگاهیان، تنوع جمعیتی بالا، سطح بالای کیفیت زندگی، دسترسی آزاد به اطلاعات و زیرساختهای دانشی میدانند، اما واقعیت آن است که خلاقیت و نوآوری محدود به قشر خاصی نیست و همه افراد جامعه باید نوآور و خلاق باشند؛ بنابراین ویژگیهای شهر دانش بنیان عبارت است از فراهم بودن زیرساختهای شهری، فرهنگ تقسیم دانش، توسعه دانش محور، شبکه های اجتماعی، فناوری اطلاعات و ... افزون بر ویژگیهای فوق، شهر باید تنوع فرهنگی داشته باشد؛ به گونه ای که فراهم کننده فضاهای مدنی برای فعالیتهای جمعی، گروهی و گسترش روابط اجتماعی باشد (اشتری؛ پرهیز، ۱۳۹۴: ۲۹). مفهوم شهرسازی دانش بنیان بیانگر دیدگاه سیستمی، جامع و خلاق از شهرهاست و در این مورد شهرها در حکم زیستگاه های پویا و با تغییر و تحول پیوسته در نظر گرفته میشوند. این شهرها در پی خلق ارزش در تمامی حوزه های خودند و سبب افزایش در استانداردهای زندگی، پشتیبانی فرهنگی و توسعه اقتصادی میشوند (ملایی و همکاران، ۱۳۹۱). تفکر شهرسازی دانش بنیان مبتنی است بر شهری که در آن به منظور توسعه دانایی محور به تشویق خلاقیت مستمر، اشتراک گذاری، ارزیابی، نوسازی و به روزرسانی دانش اقدام کرده اند. این امر از راه



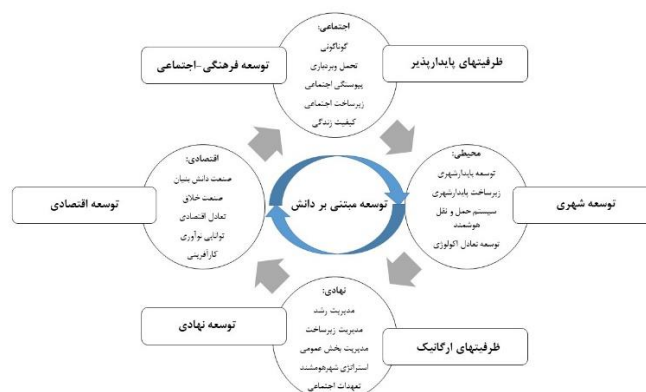
تعامل مستمر میان شهروندان و درعین حال میان آنها و شهروندان سایر شهرها تحقق مییابد. فرهنگ به اشتراک گذاری دانش شهروندان، طراحی مناسب شهری، زیرساختها و شبکه های فناوری اطلاعات این تعاملات را بهبود میبخشد؛ بنابراین شهر دانش بنیان شهری است که با هدف توسعه دانش به تشویق مستمر فرایندهای مدیریت دانش اقدام میکند. این امر از راه همکاری و تعامل مستمر عوامل دانشی محقق میشود. اصطلاح عوامل دانش محوری به هر موجودیتی، از جمله انسان، سازمان، دانشگاه، پارک علم و فناوری و مراکز پژوهشی اشاره دارد که دانش را مدیریت میکند (Erzagaki, 2004). پژوهش و نوآوری به قشر یا سازمان یا مراکز علمی خاصی محدود نمیشود، بلکه همه افراد، خلاق و نوآور بوده اند و مشارکت، تعامل و پشتیبانی مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاهها و سازمانهای اجرایی در تسهیم دانش و نوآوری در جامعه از ویژگیهای آن است. در شهر دانش بنیان مؤسسه های پژوهشی میکوشند بهترین پژوهشگران و اعتبارها را جذب کنند؛ درحالیکه دانشگاهها برای جذب بهترین دانشجویان و استادان با یکدیگر رقابت روزافزون دارند و هریک میکوشند دانش موجود را افزایش دهند و از دانش دیگران نیز به بهترین نحو بهره برند (اشتری؛ پرهیز، ۱۳۹۴: ۳۶).

۲-۱-۱- معیارهای شهرسازی دانش بنیان

در بخش معیارهای شهرسازی دانش بنیان می توان عوامل مختلفی را بیان کرد. اما معیارهایی که بیشترین تاثیر را در شهرسازی دانش بنیان دارند عبارتند از: دانش درونی (علم بومی)، نیروی متخصص، سرمایه انسانی و مالی، دانش اقتصادی، دانش شهرسازی که مولد توسعه صنعتی و بومی باشد. اجرایی کردن شهرسازی دانش بنیان بیش از هر چیز به نیروی انسانی متخصص و ایده های کاربردی نیاز دارد. این پتانسیل وجود دارد که شهرسازی دانش بنیان با ایده های ناب و نیروی متفکر برتر، برای دیگر کشورها نیز کاربرد داشته باشد. در واقع شهرسازی دانش بنیان تلاش می کند تا با اجرایی نمودن ایده ها با کمک علم بومی، مشکلات را برطرف نماید (نقی زاده، ۱۳۹۶).

۲-۱-۲- توسعه شهری مبتنی بر شهرسازی دانش بنیان

توسعه شهری دانش بنیان، که معمولاً به عنوان KBUD معرفی میشود، در واقع انتقال منابع دانشی در توسعه محلی جهت تأمین بنیادی توسعه پایدار و ایجاد فرایند پیوسته یادگیری اجتماعی است که در آن شهروندان در خصوص تغییرات محیطی که در شهر روی میدهد آگاهی می یابند. توسعه شهری دانش بنیان، به فرایندهای عملیاتی به منظور دستیابی به کلید برنامه ریزی و تأمین چارچوب مهم توسعه مشترک در همه بخشهای خصوصی، عمومی، علمی و اجتماعی میپردازد. توسعه شهری دانش بنیان، طبیعتی چندرشته ای و چندوجهی دارد. در مورد مفهوم تحولات شهری و ترکیب با چشم انداز توسعه شهری دانش بنیان بحث بر این است که توسعه شهری دانش بنیان پایدار، برپایه کیفیت اقتصادی (اوضاع خوب کسب و کار به منظور تأمین رفاه)، کیفیت فضایی، اجتماعی و کیفیت سازمانی (ارتباط و رضایت عمومی در منطقه شهری) و ارتباط تأثیرگذار میان ذینفعان (مانند دولت، دانشگاه و صنعت) به منظور ارائه پروژه های مبتکرانه استوار است. در نتیجه، توسعه شهری دانش بنیان را میتوان به عنوان الگوی توسعه در عصر اقتصاد دانش جهانی با هدف دستیابی به کامیابی اقتصادی، نظم فضایی اجتماعی، پایداری محیطی و حاکمیت خوب شهری معرفی نمود و یا طراحی هدفمند یک شهر برای تشویق نسلها به بهره گیری مداوم از دانش در سایه امنیت اقتصادی و حاکمیت خوب شهری دانست (Yigitcanlar, 2009).



شکل ۱: برهم کنش عوامل مختلف در توسعه شهری دانش بنیان. ماخذ (Yigitcanlar, 2009)

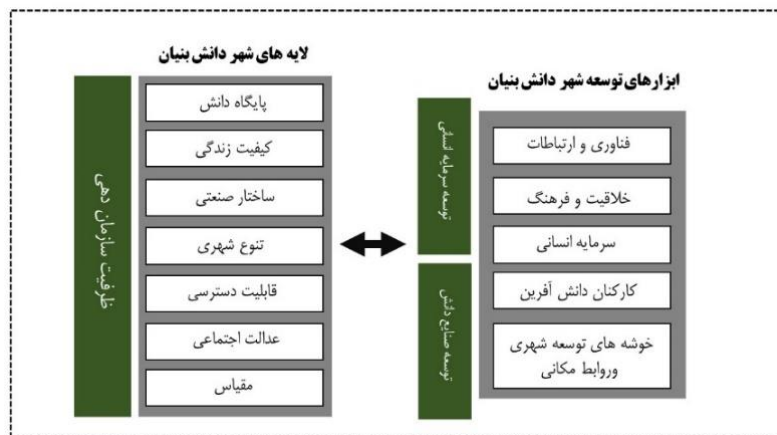


۲-۱-۲-۱- ابراهای توسعه در شهرسازی دانش بنیان

رشد و گسترش شهرنشینی و در نتیجه توسعه و گسترش فیزیکی شهرها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه از ویژگی های عصر ما می باشد (ملکی و احمدی، ۱۳۹۵: ۲). همان طور که گفته شد فضای شهری نقش بسیار مهمی را در شهرهای دانش بنیان و اقتصاد آنها بازی می کند. ارگزاکیس و ادوینسون هر دو بر برنامه ریزی و طراحی شهر دانش بنیان تاکید می ورزند.

هر برنامه ریز و طراح شهری باید الزامات خاصی را در نظر داشته باشد حتی اگر قبول داشته باشد که شاید در انتقال دانش تاثیر گذار نیستند (Ergazakis, 2006:4-Edvinsson, 2006:3).

از جمله الزامات موثر بر توسعه شهر دانش بنیان، بحث عملکردی است. الزامات عملکردی در ارتباط با سازگاریها و فعالیتها می باشند، و شامل عناصر مشخص همچون فعالیت های دانش بنیان، کیفیت زندگی، مکان های ملاقات، فرهنگ و مسکن می باشد. با توجه به لایه های تشکیل دهنده یک شهر دانش بنیان که شامل پایگاه دانش، ساختار فرهنگی و اجتماعی، کیفیت زندگی و امکانات رفاهی شهر، تنوع شهری و آمیختگی فرهنگی، قابلیت دسترسی، شمول و عدالت اجتماعی و مقیاس یک شهر است، ابعاد اصلی که به عنوان اجزای کلیدی یا ابزارهای توسعه موثر بر شهرسازی دانش بنیان در نظر گرفته می شوند عبارتند از: فناوری و ارتباطات؛ خلاقیت و فرهنگ؛ سرمایه انسانی؛ کارکنان دانش آفرین؛ خوشه های توسعه شهری و روابط مکانی آنها (Ergazakis, 2006:4). برخی از نظریه پردازان بر این اندیشه تاکید دارند سنگ بنای اصلی عملکرد در شهرسازی دانش بنیان بر مبنای دانش است. این نتیجه وجود دانشگاه ها، مؤسسات تحقیق و توسعه (D&R) در شهر دانش بنیان همزمان با سطح تحصيلات ساکنین است. کیفیت، کمیت و تنوع این عوامل نقطه شروع اقتصاد یک شهر دانش بنیان را تعیین می کنند. نباید از این نکته غافل شد که باید میان دانشگاه و مؤسسات دانش بنیان و بین خود مؤسسات نیز تعامل ایجاد شود. نکته مهم دیگر تنوع در مهارت کارمندان است. این تنوع باعث سطح تولید بالا میشود. "طبقه خلاق" یک عامل بسیار مهم در تنوع مهارت ها است (شکل ۳). (Winden and Berg, 2008). این نکته اثبات شده است که به منظور توسعه دانش بنیان، این توسعه باید از طریق نهادهایی که توسعه دانش و تولید تحقیق را انجام میدهند شروع شود. از مهم ترین این نهادها، مؤسسات و مراکز تحقیق، پارکهای فناوری و دانشگاه ها هستند. این نهادها می توانند در فعالیت های متنوع مرتبط با اقتصاد دانش بنیان شامل بازنشستگان و کارمندان، توسعه گران اقتصادی و فروشندگان مرتبط فعالیت کنند (Ergazakis, 2006:4). مهندسين نوآور شهری می توانند سیستمی تشکیل دهند که بتوانند نوآوری را تولید و انتشار دهند. نوآوری در اقتصاد دانش بنیان در واقع تولید دانش جدید و ایده های است که از فکر خلاق تراوش می نماید. در واقع مهندسين نوآور شهری که یک ارتباط با فعالیت های دانش بنیان دارند شامل دانشگاهها، مراکز فروش مرکزی و پارک های علم و فناوری هستند. دانشگاه های محلی یک نقش اساسی در شهرهای دانش بنیان دارند. آنها نباید در این عرصه منفعل (ivory towel) باشند بلکه باید عامل ارتباط با شهروندان باشند. آنها باید همه نوع فعالیت اعم از دانش محور و غیر دانش محور را ارایه دهند. همچنین بانکها، سهام داران بورس و مؤسسات مالی مجازی نیز در این عرصه نقش مهمی دارند (Dvir & pasher, 2004:11). ادوینسون از واژه "لنگرگاه دانش" استفاده می کند. یک لنگرگاه دروازه برای تبادلات و جریان ها است اما آن در شهر دانش بنیان دروازه ای برای ورود مهاجرین و استعدادها است در واقع لنگرگاه دانش، ابزاری اساسی برای شهرسازی جدید است. مردم باید یک جنبه مهم از این ابزار باشند. تمرکزها باید از مراکز فروش کالا و اجناس به سمت تجارت دانش پیش رود (Edvinsson, 2006:8).



شکل ۲: لایه ها و ابزار توسعه شهرهای دانش بنیان. ماخذ (Yigitcanlaet,2009)

۲-۱-۳- اقتصاد دانش بنیان

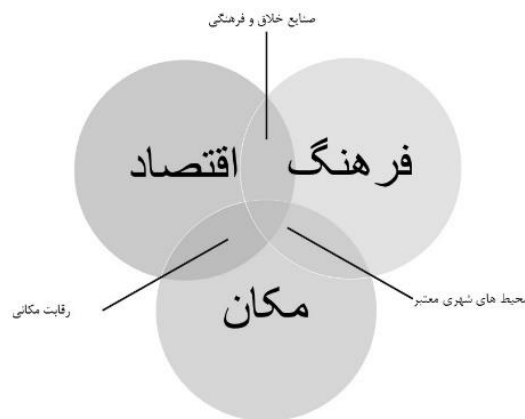
توسعه در شهرسازی دانش بنیان دو هدف عمده دارد: ۱- راهبرد توسعه، اقتصاد و شهر که دانش فنی را برای نوآوری تولیدات و خدمات، دانش بازاری را برای درک تغییرات عالیق و انتخابهای مصرف کنندگان، دانش مالی را برای اندازه گیری خروجیها و ورودیهای تولید و فرایندهای توسعه و دانش انسانی را در شکل خلاقیت و مهارت میآراید. ۲- توسعه شهری دانش بنیان شامل افزایش و ارتقای مهارت و دانش شهروندان به منزله توسعه اجتماعی و ابزارهای کلیدی است برای توسعه اجتماعی و فردی. سیاستهای توسعه شهری دانش بنیان شامل توسعه و پذیرش فناوریها، توزیع سرمایه های سودمند، توسعه توسعه اجتماعی و توسعه سیستمهای سرمایه میشود (Gonzalez,2005). لازمه توسعه اقتصادی، مدیریت دارایی های ناملموس است که برخلاف منابع مادی از راه استفاده مستهلک نمیشوند، بلکه هرچه بیشتر استفاده شوند با ارزش تر میشوند. در توسعه شهری دانش بنیان فعالیتهای اقتصادی نیازمند نوسازی مستمر ظرفیتهای سازمانی و اجتماعی و گسترش محیط مطلوبی برای خلاقیت، نوآوری و یادگیری و تغییر برای شکوفایی است (Lever,2002). توجه به نقش دانش در اقتصاد و رشد اقتصادی موضوع جدیدی نیست، به نحوی که آدام اسمیت در قرن نوزدهم به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته و تأکید کرده است (همان). طبق تعریف بانک جهانی، ارزیابی اقتصاد دانش بنیان (KBE)، از طریق روش سنجش دانش (KAM) امکان پذیر می باشد. این شاخص شامل چهار رکن اصلی می باشد: ۱- رژیم های اقتصادی و نهادی (نظام انگیزشی): فراهم کننده انگیزه های لازم جهت استفاده مناسب از دانش، تحریک خلاقیت ها و کارآفرینی و هم چنین محرکی برای ایجاد کارآمدی. این رکن شاخص های موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای، حقوق مالکیت معنوی، مقررات را شامل می شود. ۲- آموزش عالی را شامل می شود. ۳- نظام کارای نوآوری و اختراعات، مشتمل بر بنگاه ها، مراکز تحقیقاتی دانشگاه ها، مشاوران و سایر سازمان هایی که از ذخایر روزافزون دانایی جهانی بهره گرفته و آن را جذب و یا نیازهای ملی، محلی وفق داده و تعدیل می کنند. این رکن شاخص های تعداد محققین در فعالیتهای تحقیق و توسعه، نسبت تجارت محصولات کارخانه ای به تولید ناخالص داخلی، تعداد مقالات علمی چاپ شده در نشریات علمی - فنی به ازای یک میلیون نفر جمعیت را شامل می شود. ۴- زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات: به منظور تسهیل فرایندهای ارتباطی و اطلاعاتی و همچنین کسب و انتشار دانش. این رکن شاخص های تعداد تلفن در هر هزار نفر تعداد رایانه در هر هزار نفر میزبانی اینترنت را شامل می شود (World Bank, Building Knowledge Economies,2016).



۲-۲- شهر خلاق

۲-۲-۱- مفهوم شهر خلاق

مبحث شهر نوآور و اقتصاد جدید که به صورت بخشی مهم در مناطق و شهرهای خلاق نمایان میشود، در دهه های اخیر مطرح گردیده و تأثیراتی شگرف بر شهر خلاق میگذارد. از این رو، زمانی که صحبت از خلاقیت میشود، منظور نگرشی نوینی است که در ابعاد ساختاری شهر و منطقه صورت میگیرد و عمدتاً به در ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی مطرح میگردد. از این رو به عنوان نمونه در نگرشهای خلاق گونه به صنعت در شهرها و مناطق خلاق، بحث صنایع فرهنگی، چند رسانه ای، خدمات برتر و مطرح میشود. یا در حوزه های محلی، نوآوری و خلاقیت در صنایع دستی و بومی مطرح میشود (Costa et al, 2009). در عین حال، در عصر حاضر خلاقیت و دانش محرکان آینده اقتصاد شهری هستند. هم در کشورهای توسعه یافته و هم در اقتصادهای نوظهور دانش جایگاه محوری یافته است بنا براین شهرها بدنبال ایجاد شرایط مناسب برای ظهور و بروز خلاقیت و دانش جهت بکارگیری آن در فرهنگی جدید از کارآفرینی هستند. پیروزی یا شکست یک شهر به توان پاسخگویی آن به تغییرات اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد. یک شهر خلاق و دانش محور یا دانش شهر چیزی نیست که به عنوان یک الگو و مدل همه جا حاضر و قابل دسترس و قابل استفاده در همه جا، مطرح باشد. بلکه به شدت تحت تاثیر شرایط و عوامل است. شهرها می بایست شرایط محلی خود را بسنجند به نقاط ضعف و قوت خود آگاه باشند آنگاه در مسیر جریان جهانی دانش قرار بگیرند. توسعه صنعت خلاقیت و دانش در هر شهر متأثر از ویژگی آنها است (Musturd, 2001).



شکل ۳: نمودار شهر و مکان های خلاق. ماخذ: (Authenticity, 2008)

مکانهای خلاق نیز یکی دیگر از مقیاس های ظهور و بروز خلاقیت هستند که در آنها برای برنامه ریزی برای ایجاد یک مکان خلاق موفق باید برای هنر و فرهنگ، ابتکارات اجتماعی و مشاغل دانش بنیان به صورت موثر برنامه ریزی کرد. این ها که میتوانند مکان در مقیاس یک محدوده، بخش و یا ناحیه ای کوچک از یک شهر شکل گیرند و مانند یک محرک اقتصاد و برنامه های شهر را تحت تاثیر قرار دهند (Authenticity, 2008).

۲-۲-۲- ویژگیهای شهر خلاق

شهرها ظرف های خلاقیت هستند و همیشه چرخ های حرکت، تمرکز و هدایت انرژی خلاق بشر بوده اند. (Florida, 2005) از آنجاییکه شهرها، متنوع و سرشار از تعامل و همچنین مملو از مشکل هم هستند، تجمعات بزرگ انسان ها ذاتاً پیچیده و ناجور است، و برای برقرار کردن و توسعه دادن یک شهر نظم شهری پایه، مردم در شهرها مجبور بوده اند، خلاق باشند. بنابراین شهرها به طور فزاینده ای از مفاهیم شهر خلاق استفاده می کنند (موسوی، ۱۳۹۳: ۲۴). شهر خلاق پدیده ای است که امکان دارد در هر دوره ای وجود داشته باشد. اما هیچ محیط شهری به صورت خلاق عمل نمی کند (همان)، زیرا تئوری شهر خلاق بیان می کند که خلاقیت - فضای خلاق - مهمترین پیش شرط برای رشد و نوآوری است و این تئوری شامل ایده های متنوع و چشم اندازهاست. (Romein, Tripm, 2009: 3). از جمله ویژگی های عمومی هر شهر خلاق این است که مکانی جذاب برای کار کردن و زندگی شهروندان خود (به خصوص برای نسل جوان)، مکانی جذاب برای



گردشگران (صنعت توریسم) توانمند در شکوفایی بخش های مختلف اقتصادی (از راه به کارگیری تکنولوژی و مدیریت صحیح آن) و همچنین مرکز جذب بنگاه های مختلف اقتصادی نوظهور (خوشه ها و مراکز تحقیقاتی) به ویژه در زمینه تکنولوژیهای High tech باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۵۴). ویژگیهای شهر خلاق به شرح ذیل است:

- فراهم نمودن یک بستر مناسب جهت بروز ایده های ساکنان و تبادل این ایده ها و در نهایت استفاده از آن ها جهت حل مشکلات و مسائل و نیز توسعه اقتصادی، اجتماعی و شهری است و برای این کار ایجاد محیطی برای گفت و گو و مشارکت مردم، ایجاد جامعه ای شبکه ای برای استمرار بخشیدن به روند تولید ایده ها، ایجاد امکاناتی زیرساختی جهت تبدیل ایده به محصول (کالا یا خدمات) و نیز بازاریابی کالا و خدمات تولید شده از ضروریات است.
- دسترسی شهر خلاق به استعدادها و منابع انسانی و فکری است. این اصطلاح تحت عنوان طبقه خلاق از آن یاد می شود. طبقه خلاق موتورهای حرکت شهر خلاقند. آن ها می توانند از افراد شناخته شده و سرشناس مثل هنرمندان، نویسندگان، محققان، استاد های دانشگاه تا افراد کم تر شناخته شده که در اقتصاد دانش بنیان کار می کنند را شامل می شود.
- دسترسی شهر به فناوری های سطح بالا و داشتن اقتصادی خلاق و استخدام افراد در این نوع صنایع است.
- این شهرها را می توان قدرت و توان ویژه این شهرها در مواجهه با بحران هایی چون فقر، بی خانمانی، بافت های فرسوده و.. دانست. یک شهر خلاق باید به گونه ای خلاق این مسائل را حل کند. در حل این مسائل نیز استفاده از نوآوری ها و ابتکارات افراد چه افراد خلاق و چه شهروندان عادی مورد توجه است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵).

۲-۲-۳- ارکان و مولفه های شهر خلاق

مردم، بنگاههای اقتصادی، فضاها، پیوندها، و چشم انداز پنج رکن اصلی شهرهای خلاق می باشد (رحمتی؛ کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۶) که توجه به این ارکان برای ایجاد و توسعه شهرهای خلاق در آینده ضروری است:

مردم: در شهر خلاق باید شرایط و فعالیتهایی مد نظر قرار بگیرند که به پیدایش هنرمندان آینده منجر شوند، به موفقیت و بهره مندی کارکنان خلاق در کلیه بخشهای اقتصادی بیانجامند، موجب گردند مصرف کنندگان خواهان کالای فرهنگی باشند و محیطی جذاب برای افراد خلاق ایجاد شود. آموزش های عمومی قوی و حصول به فعالیتهای فرهنگی نقش حیاتی را در شکل گیری افراد خلاق بازی می کنند و منتهی به پیشبرد الزامات و مشارکت اجتماعی می شوند (محمدی؛ مجیدفر، ۱۳۸۹: ۱۸-۱).

- بنگاههای اقتصادی: خلاقیت اغلب به ایجاد فرصت های اجتماعی می انجامد و کارآفرینان فرهنگی، کسب و کارهای خلاق را شروع می کنند و آن ها را رشد می دهند. تجاری سازی ایده های نوآورانه و خلاق مسبب اشتغال زائی و تولید ثروت در شهرهای خلاق است. در شهرهای خلاق، فراوانی استعدادهای خلاق پیشران اصلی صنایع خلاق و اقتصاد منطقه است.

- فضا: یک پیوند قوی بین فضا و خلاقیت وجود دارد. افراد خلاق نیاز به فضایی برای زندگی، کار، الهام بخشی و نمایش کارهای خود دارند. فضاهای یک شهر اعم از طبیعی و مصنوعی، موجب برانگیختگی، برابری و بیان خلاقیت ساکنین خود می شوند (همان).

- پیوندها و ارتباطات: یک محیط شهری که خواهان برانگیختن و پشتیبانی از خلاقیت است باید بتواند بسیاری از اقدامات مجزا را نیز به هم پیوند بدهد. این پیوندها اغلب اوقات توسط سازمان هایی رهبری می شوند و گسترش می یابند که مأموریت و چشم اندازشان خلاقیت است. پشتیبانی از این پیوندها نیز توسط سازمان های واسطی حالت می پذیرد که فعالیت های مجزا را سازماندهی و از منابع موجود به نحو مؤثر بهره برداری می کنند.

- چشم انداز و آوازه: در شهرهای خلاق، بیان و اظهار یک چشم انداز قوی و خلاقانه باعث رشد استعدادهای خواهد شد و پشتیبانی از خلاقیت را به صورت گسترده ای در شهر هدایت کرده و نظم می بخشد. این چشم انداز داستان شهر را در سراسر جهان بازگو م یکنند، آوازه آن را در جهان خلق می کند و به پیشبرد گردشگری، صادرات و سرمایه گذاری در شهر می انجامد (همان؛ ۱۸).

۲-۲-۴- نقد وارد بر شهر خلاق

ریچارد فلوریدا از نظریه پردازان مطرح در زمینه ی شهرهای خلاق، شهر خلاق را شهری دارای سه شاخص "استعداد"، "تکنولوژی" و "مداراگری" می داند، اگرچه تئوری فلوریدا در مورد "طبقه ی خلاق" از جنبه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مورد انتقادهای گسترده



ای قرار گرفته است همچنان در کانون توجه متخصصان این حوزه است. از جنبه ی اقتصادی وجود رابطه ی علیتی بین شاخص های مطرح شده توسط فلوریدا و توسعه ی اقتصادی شهر، به اثبات نرسیده است (Comunian, 2010). از جنبه ی سیاست گذاری، سیاست های سریع توسعه ی شهری مدنظر فلوریدا، استراتژی هایی از پیش تعیین شده برای تمامی شهرها هستند و توجه به این اصل که سیاست های یکسان در بافت ها و کیفیتهای گوناگون به نتایج بسیار متفاوتی منتهی می گردند، انتقادات وارده بر تئوری فلوریدا را به جا و معقول جلوه می دهد. از جنبه ی اجتماعی، مدنظر قرار ندادن تفاوت میان "مداراگری" جامعه (به معنای یک رویکرد باز و روشنفکرانه نسبت به تنوع در جامعه) و صرفاً متنوع بودن جامعه از لحاظ فرهنگی ایراد دیگر نظریه ی فلوریدا است. پیروان نظریه ی طبقه ی خلاق فلوریدا، تفاوت های موجود میان طبقه ی خلاق تعریف شده توسط فلوریدا و کارگران فرهنگی فعال در صنایع خلاق و تفاوت خواسته های این دو قشر را نادیده می گیرند. همچنین تمرکز نظریه ی فلوریدا بر جذب استعدادهای خارجی است در حالیکه تمرکز بر تقویت مهارت های بومی و سرمایه گذاری بر جامعه ی ساکن در مقصد، در درازمدت نتایج تضمین شده تری خواهد داشت. پروژه های موفق احیای شهری، پروژه هایی هستند که بر مشارکت پرنرنگ جامعه ی ساکن در مقصد و هویت محلی تکیه دارند. هم چنین برخی ایده ی شهر خلاق را مسبب ایجاد حباب های توریستی و عدم تعادل و تساوی درون خود شهرها و نه ایجاد تفاوت میان شهرهای مختلف می دانند. به طور کلی مهمترین انتقادهای وارده بر نظریه شهر خلاق عبارتند از: ۱- اختلافهای درآمدی بین طبقه خلاق و آنهایی که در بخشهای خدماتی و صنعتی مشغول هستند منجر به موضوعهایی نظیر مسکن قابل استطاعت، توسعه نامتوازن و نابرابر و پدیده پراکنده رویی شهری (رشد غیرنظام مند و پراکنده گونه به سمت نواحی حومه ای) شده است. ۲- دوقطبی شدن سیاسی تشدید می شود، چرا که این گروهها از لحاظ منزلت اجتماعی و اقتصادی در دو دنیای متفاوت زندگی میکنند. ۳- تاکید بیش از حد بر نخهگرایی، دادههای نامتجانس و طبقه بندی ابهام آمیز از جمله انتقادهای مطرح شده در مورد این نظریه است. (Markusen and Schrock, 2006).

۲-۳- شهرسازی دانش بنیان ابزار تحقق شهرخلاق

از نظر دویر، شهرسازی دانش بنیان به عنوان موتور محرک نوآوری در فضاهای شهری، سیستمی است که نوآوری در شهر را آغاز می کند، تولید می کند، پرورش می دهد و تجزیه و تحلیل می کند (Dvir, 2003). طبق نظر وی موتور نوآوری شهری یک نظام پیچیده است که شامل مردم، ارتباطات، ارزشها، فرایندها، ابزارها و زیرساختهای مالی، فیزیکی و فناوری است. وی اظهار می دارد که دانشگاهها، موزه ها، کتابفروشی ها، زیرساختهای فناوری و حوزه های صنعتی موتورهای بالفعل نوآوری هستند و همیشه یک ترکیب منحصر به فرد از عوامل ناملموس که ساخت معمولی شهر را به یک موتور نوآوری تبدیل می کند وجود دارد. وی ۱۱ موتور نوآوری را معرفی می کند که عبارتند از: کافه ها، دانشگاهها، کتابخانه ها، موزه ها، فرودگاههای بین المللی، سند چشم انداز و گروه پیش بینی، مراکز تجاری و بورس، زیرساختهای فناوری، پارک علمی-فناوری، تالار اجتماعات شهر و مرکز نوآوری (همان). محرک های قدیمی توسعه منطقه ای- ساختار اقتصادی کارآمد، نیروی کار عظیم دانش آموخته با مهارتهای متفاوت، وجود مجموعه ای از دارایی و سرمایه- هنوز شرایط لازم برای رشد سریع هستند اما آنها به تنهایی برای تضمین رشد پایدار در دنیای به هم پیوسته و رقابتی امروز کافی نیستند. رشد عمدتاً به ظرفیت های خلاق مشارکتی و دسته جمعی مردمی که بویژه در شهرها یا ناحیه ها زندگی می کنند بستگی دارد. فلوریدا یک مدل سه طبقه ای از اقتصاد خلاق و دانش محور را بر پایه موقعیت مکانی نیروی کار پیشنهاد می کند (Florida, 2001):

- بخش سنتی، مردم در صنایع تولیدی قدیمی کار می کنند مثل بخش حمل و نقل، تولیدات شیمیایی، فلزات، نساجی و امثال اینها.
- بخش خدماتی، کارگران در صنایع متنوعی مثل فرآوری و آماده سازی غذایی، بیمارستانی، گردشگری، خرده فروشی، مراقبتهای بهداشتی و غیره و گاهی در مشاغل فصلی و موقت اغلب با دستمزد پایین استخدام می شوند.
- بخش خلاق و نوآور که خود تقسیم می شود به: ۱- هسته کاملاً نوآور شامل افرادی که در علوم مهندسی، صنایع خلاق و نوآور، رسانه، انتشارات و رسانه های جدید، مشاغل طراحی، تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات، تولید پیشرفته و مانند اینها کار می کنند.
- ۲- مشاغل خلاق در بخش تجاری، مالی، قانون گذاری، تبلیغات و مراقبتهای بهداشتی که خدمات با ارزش افزوده را برای هسته خلاق فراهم می کند (Wong et al., 2006).

۲-۳-۱- خلاقیت و دانش موتور محرک توسعه شهری



خلاقیت و دانش به عنوان موتور محرکه توسعه شهری و نوآوری عمل می کنند و زمینه لازم برای توسعه را فراهم می آورند . مهمترین چالش که برای سیاست گذاران پیش می آید این است که ابتدا چه ویژگی ها و شرایطی از مجموعه شهری بیشتر می تواند بخش دانش محور و درعین حال خلاق و نوآور را جذب و نگهداری کند و دوم تضمین اینکه آن شرایط در محل باشند و حفظ شوند. وندن و برگ مدل های سیاست گذاری را برای نوآوری را ارائه داده اند (Winden and Berg, 2008). اولین آن رویکرد آکادمیک و دانشگاهی است که با پرورش تحقیقات آکادمیک که عمدتاً در دانشگاهها و مراکز تحقیقات عمومی است، پیوند یافته است. دومین آن رویکرد تجاری است جایی که تاکید بیشتر روی وابسته بودن تحقیقات کاربردی و فرایندهای خلاقانه و فناورانه به تجارت است. هردو رویکرد در پی افزایش و پرورش و تولید مهارتها و دانش جدید هستند در حالی که یکی در پی فعالیتهای آکادمیک سرمایه ای بدون ارتباط مستقیم با نتایج کوتاه مدت است و دیگری در پی پرورش سرمایه گذاری خصوصی و ایجاد شرکت های «ظرفیت های فناورانه» و مرتبط کردن آنها با خروجی های تحقیقات عمومی است. علاوه بر این یک مفهوم حول کارآفرینی دانش مدار در حال رشد است که رویکرد سومی برای نوآوری را شامل می شود . اهمیت فناوری صنایع متمرکز یا فناوری جدید مبتنی بر کارخانجات در تجارت جهانی و رشد شرکتهای کارآفرینی یک سهم عظیمی از شبکه جدید شغلی- مکانی را ایجاد کرده است که بر نقش کارآفرینی دانش مدار بر رشد اقتصادی تاکید دارد. شکل گیری کارخانجات با فناوری بالا از تحقیقات دانشگاهی یا کارآفرینی آکادمیک در سالهای اخیر مورد حمایت قرار گرفته اند اگرچه هنوز یک نظر عمومی و کلی در مورد عملکرد خوب یک سیاست و خط مشی بوجود نیامده است (Lever, 2002). در توسعه و ارتقاء کارآفرینی دانش مدار در سطح منطقه ای، تعادل بین شرکت و کارآفرینی آکادمیک لازم است که در درون هر نظام نوآوری خلاق رخ دهد آن هم با یک سطح متناسبی از حمایت عمومی برای تحقیق و توسعه فعالیت های کارآفرینی و خط مشی هایی که شرکتهای با پتانسیل های رشد بالا را مورد هدف قرار می دهد (همان). عناصر کلیدی و بنیادین و ابزارهای توسعه برای ایجاد یک شهر خلاق مبتنی بر سیاستهای شهرسازی دانش بنیان عبارتند از :

- فناوری و ارتباطات
- خلاقیت و فرهنگ
- سرمایه انسانی
- نیروهای کار دانش مدار
- مجموعه های توسعه شهری و روابط فضایی و مکانی شان.

۲-۳-۲- چالش های دستیابی و توسعه شهرهای خلاق - دانش بنیان

امروزه فعالیتهای خلاقانه و دانش بنیان، سهم مهمی از بازار اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده اند . آینده اقتصادی مناطق شهری به صورت روزافزون وابسته به ظرفیت تولید، جذب، حفظ و تقویت دانش و خلاقیت و نوآوری است. طی سالهای گذشته اقداماتی در راستای توسعه مبتنی بر خلاقیت دانش مدار در اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته صورت گرفته است، اما متأسفانه دارای یکسری مسائل و چالشهای اساسی در این راستا میباشد (قلی پور و همکاران، ۱۳۹۴). چالشهای فوق با توجه به سطوح توسعه و حکمروایی شهری و دارایی های شهری عبارتند از: ۱- چالش فن آوری و ارتباطات: در زمینه فناوری و ارتباطات در ایران گام هایی در بخشهای مختلف برداشته شده است و به نوعی توانسته رضایتمندی را در جامعه ایجاد کند، اما اینکه در حوزه شهرسازی و خدمات شهری، رشد اقتصادی، کمک به اشتغال زایی، توزیع عادلانه ثروت و توسعه منطقه ای و ... چه گام موثری برداشته است، جایی بسی تامل و پژوهش را دارد. ۲- چالش طبقه خلاق و دانش آفرین: عامل تعیین کننده کلیدی در جذب و حفظ افراد خلاق و دانش آفرین کیفیت زندگی در یک مکان است. کارکنان دانش آفرین محل اقامتشان را صرفاً بر اساس بیشینه سازی حقوقشان انتخاب نمی کنند. در نتیجه کیفیت مکان و زندگی یک عامل با اهمیت روز افزون برای شهرهای خلاق و دانش بنیان است، که در این راستا هم با چالشهای اساسی روبه رو هستیم. در واقع یکی از اهداف توسعه شهری ، یک چرخه مطلوب جذابیت است که افراد ماهر و خلاق را حفظ می کند که آنها نیز به نوبه خود صنایع و کسب و کارهایی که نیازمند نیروی کار هستند و سرمایه گذارانی که خواستار سرمایه گذاری روی تولید با ارزش بالا هستند را جذب می نمایند. ۳- چالش مدیریتی، که جدی ترین چالش یعنی عدم برخورداری از مدیریت یکپارچه شهری برای تحقق حکمروایی خوب شهری است، هنوز حاکمیت تصمیم در حوزه های شهری بیشتر ماهیت تکنوکراتیک دارد ، زیرا عدم وجود مدیریت یکپارچه شهری، منجر به تفرق عملکردی، تفرق سیاستی برنامه ای، تفرق قلمرویی، تفرق ناشی از تعدد ذینفعان و عناصر ذینفوذ صاحب قدرت، تفرق سیاستی حکومتی، تفرق قوانین و



مقررات، تفرق زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی و نیز تفرق توانمندی مالی مدیریت شهری یا امکان پذیری مالی خواهد شد. که تمامی این موارد در تضاد با شاخصهای توسعه نهادی در توسعه شهری خلاق و دانش محور است (کاظمیان؛ میرعابدینی، ۱۳۹۰).

۳- نتیجه گیری

تاریخ به ما می‌آموزد که شهرها مکان‌های پرورش بی نظیری هستند که دانش، خلاقیت و نوآوری در آنها می‌تواند به بلوغ کامل برسند. اما همه شهرها چشم اندازه‌ای خوبی در توسعه دانش مدرن را ندارند. در نهایت، شهرهای برنده رقابت توسعه مدرن، "شهرهای خلاق دانش مدار" خواهند بود. اینها شهرهایی هستند که نه تنها دارای تمرکز، تنوع و ثباتی کافی هستند، بلکه یک برند منطبق را نیز طراحی می‌کنند که منعکس کننده نوآوری و مدرنیته و دانش است. این نتیجه‌گیری تا حدودی جبرگرایانه، به این معنا است که شهرها نمی‌توانند به سادگی بر سرنوشت تکیه کنند و قطعا در رقابت توسعه شهری، دقیقا همان قدرت خلاق مبتنی بر دانش است که یک شهر باید دارا باشد تا توان ورود به عرصه جهانی شدن را داشته باشد. اما غیرقابل پیش بینی بودن خلاقیت و نوآوری به این معناست که یک استراتژی رقابتی خلاق یا یک استراتژی رقابتی دانش مدار و بدون ابهام به تنهایی و به دور از سایر متغیرها نمیتواند برای محیط‌های شهری کافی باشد. چراکه با توجه به ظرفیتهای توسعه مبتنی بر خلاقیت یا دانش بنیان شهرها، فرایند ایجاد یک شهر، ساده و سریع نمیباشد. زیرا این دو مفهوم یا دو متغیر کلیدی مسائل شهری به جنبه های مختلفی از زندگی اشاره دارند. بنابراین لازم است هرگونه تلاشی در راستای ایجاد و توسعه شهری خلاق و البته دانش بنیان را از جانب تمامی بخشهای جامعه از جمله دولت محلی، شهروندان، بخش عمومی، سازمانها، دانشگاهها و ... فعالانه پشتیبانی گردد. از آنجا که دولت‌های محلی در راستای تبدیل شهرهای خود به شهرهای دانش بنیان استراتژیهای متفاوتی را دنبال میکنند. لازم است ابتدا نقاط قوت شهر مورد نظر، توانایی جامعه به منظور ایجاد فرهنگ به اشتراک گذاری خلاقیت - دانش، خواسته های سیاسی دولت محلی، محیط حقوقی و قانونی هر شهر بررسی و سپس استراتژی منسجم و یکپارچه شهر خلاق و در عین حال دانش بنیان تدوین گردد. اما چه کاری باید برای پرورش خلاقیت شهری در شهرسازی دانش بنیان انجام شود؟ تنها کاری که مدیران شهری می‌توانند در هم کاری نزدیک با برنامه ریزان و ... انجام دهند، افزایش شانس بروز خلاقیت شهری است.

مراجع

- ابراهیمی، مهران. (۱۳۸۷) *نشست شهرخلاق: مفاهیم، سیاست ها، مطالعه موردی از شهرهای موفق و ناموفق*. مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران. تهران: فرهنگسرای نیاوران.
- اشتری، حسن؛ پرهیز، فرهاد. (۱۳۹۴). *شهر دانش محور*. تهران: نیسا.
- قربانی، رسول؛ حسین آبادی، سعید و طورانی، علی (۱۳۹۲) *شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری*، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۱.
- کاظمیان، غلامرضا؛ میرعابدینی، سید زهره. (۱۳۹۰). *آسیب شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاستگذاری و تصمیم گیری شهری*؛ نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۶.
- کلانتری، بهرنگ؛ یاری قلی، وحید و رحمتی، اکبر. (۱۳۹۱). *فضای جمعی و شهر خلاق*، مجله منظر، (۱۹): ۷۹-۷۴.
- محمدی، کمال؛ مجیدفر، فرزانه. (۱۳۸۹). *دوران شهرهای خلاق*، ماهنامه شهرداریها، جلد ۱۰۰، ص ۱-۲۱.
- ملکی، سعید؛ احمدی، رضا. (۱۳۹۵). *تاثیر عامل فاصله از مرکز بر میزان توسعه یافتگی شهرستان های استان خوزستان*، فصلنامه آمایش محیط، دور ۷، شماره ۲۴.
- موسوی، میر نجف. (۱۳۹۳). *رتبه بندی محلات شهر سردشت از نظر حرکت به سوی خلاقیت با تأکید بر تحقق شهر خلاق با استفاده از تاپسیس و ANP*، جغرافیا و آمایش شهری - منطقی‌های، شماره ۱۰.
- مولایی، مصطفی و همکاران. (۱۳۹۱). *«رأته مدلی تعاملی در جامعه دانایی محور درخصوص شکل گیری کسب و کارهای دانش بنیان در افق ۱۴۰۴»*. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسبوکارهای دانش بنیان.
- نقی زاده، محمد؛ درستکار، احسان. (۱۳۹۶). *شهرسازی دانش بنیان، رویکردی نو در شهرسازی ایران*، نخستین کنفرانس ملی به سوی شهرسازی و معماری دانش بنیان، تهران.



- AuthentiCity. (2008), Creative City Planning Framework A Supporting Document to the Agenda for Prosperity: Prospectus for a Great City, Prepared for the City of Toronto.2008. .p21.
- Brown, B. B., & Perkins, D. D. (1992). Disruptions in place attachment. In Place attachment (pp. 279-304). Springer US.
- Carrillo, F.J.(2004) Knowledge Cities: Approaches, Experiences,
- Comunian, R. (2010). “ Rethinking the creative city: the role of complexity, networks and interactions in the urban creative economy. Urban Studies”.
- Costa, J. Seixas and A. Roldão. (2009).” From ‘Creative Cities’ To ‘Urban Creativity Space, Creativity And Governance In The Contemporary City”.
- Dvir, R and Pasher, E (2004) Innovative engines for knowledge cities: an innovation ecology perspective. Journal of Knowledge Management 8(5), 16– 27.
- Dvir, R. & Pasher, F. (2004). “ Innovation engines for knowledge cities:an innovation ecology perspective”.
- Erzagaki,K.,Metexiotis,K.(2004). “Towards knowledge cities:conceptual analysis and success stories”.
- Edvinsson, L. (2006). “Aspects on the city as a knowledge tool”.
- Ergazakis, K.(2004).“unified methodological approach for the development of knowledge a cities”.
- Ergazakis, K. (2006). “A coherent framework for building successful KCs in the context of the knowledge-based economy”.
- Florida, R. (2001). The rise of the creative class. The Washington Monthly, 34(5), 15-25.
- Florida, Richard, (2005), Cities and the Creative Class, New York: Routledge.
- Gonzalez, M., Alvarado, J., and Martinez, S. (2005). “A Compilation of Resources on Knowledge Cities and Knowledge-Based Development”.
- Lever, W. (2002). “Correlating the knowledge-based of cities and economic growth”.
- Markusen, A., Schrock, G. (2006). “The artistic dividend: urban artistic specialization and economic development implications” , Urban Studies, 43(10), pp. 1661-1686. Peck, J. (2005).
- Mustard, D. B. (2001). “Racial, ethnic, and gender disparities in sentencing: Evidence from the US federal courts”.
- Mustard, D. B. (2001). Racial, ethnic, and gender disparities in sentencing: Evidence from the US federal courts. Journal of Law and Economics.
- Romien, Arie and Jan Jacob Trip. (2009). “ Key elements of creative city development: an assessment of local policies in Amsterdam and Rotterdam”.
- Scott, A. J. (2006). The Cultural Economy of Cities, Sage, Creative cities: conceptual issues and policy questions. Journal of Urban Affairs.
- Schwartz, G. (1995). Knowledge City: a digital knowware the construction of a knowledge-creating public space in Brazil.
- Winden, W. Van, Berg, L. Van den & Pol, P. (2008). “European cities in the knowledge economy, towards a typology”.
- World Bank, Building Knowledge Economies.(2016). “Advanced Strategies for Development: 38 Global Innovation Index” ,
- Wong, C, Millar, C and Choi, C (2006) Singapore in transition: from technology to culture hub. Journal of Knowledge Management. 10(5).
- Yigitcanlar ,T.(2008). “Sustainable Urban and Regional Infrastructure Development: Technologies, Application and Management”.
- Yigitcanlar, (2009),Planning for knowledge- based development, Journal of knowledge management, 13(5),pp228-242



basics of creative city with the urban - based approach of knowledge

1-Alireza Andalib, Associate Professor, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.

a.andalib@srbiau.ac.ir

2- Shiva Amini*, Urban Planning Student at Islamic Azad University of Science and Research Branch, Tehran .
shihaamin422@gmail.com

Abstract

today , knowledge , culture and creativity are the foundation of city strategies for local development . following different approaches , cities try to develop knowledge and creativity in urban areas to reduce undesirable effects of traditional models . based on their knowledge and creativity , define and reinforce new urban development . today , cities are in a close competition to meet global and regional positions and their competition , especially since it has been intensified , have introduced their communications and information as new urban settlements . successful transition to creative and yet based on knowledge - based urbanism requires long - term investment in education , development of innovative and creative capacity , modernization of information technology and creating a new economic environment . for competition at the national and international level of cities requires knowledge , creativity , trained and skilled workers , technology , electronic communication and link with knowledge - based economy . this paper examines and analyzes the knowledge - based urbanism and its impacts on creative cities by relying on documentary studies . according to the study of the effective criteria and tools of urban development , as well as the global conflicts with different issues and modern technologies , many planners and theorists have attempted to adopt different approaches in order to better understand and understand the key variables in urban issues by combining multi - variable models and combining the emerging theories of urbanism to solve the new urban issues . the results show that in creating a creative city while knowledge is based , simple and fast . because these two concepts refer to different aspects of life . therefore , it is necessary to actively support any attempt to create and develop a creative and



سومین کنفرانس ملی شهرسازی و معماری دانش بنیان 3rd National Conference On Knowledge-Based Urban Development and Architecture



knowledge - based urban development from all communities , including the local government , citizens , public sector , infrastructure , etc. because local authorities seek to transform its cities into global cities , it follows a different approach . it is necessary to study the strengths of the city in order to create a culture to share creativity and knowledge , political and legal requirements of the local government , legal and legal environment of each city and then integrated and integrated strategy of knowledge - based city is formulated . but what should be done to foster urban creativity in knowledge - based urbanism ? the only thing that urban managers can do in close collaboration with planners and ... is increasing the chances of urban creativity .

key words : knowledge - based urbanism, Urban development, Urban Development Tools , creative city